

هادی ضیاءالدینی

حرکت به سوی ناممکن‌ها

وجود اروسی‌های زیبا و گاه حیرت‌برانگیز، سر کله پنجره‌ها با شیشه‌های رنگی و دروازه‌ها در سبندج، نشان از قدمت و سابقه دیرینه این دیار در زمینه «هنر چوب» دارد. این اصطلاح هنر چوب، در میان استادکاران و هنرمندان به تمامی صنایع و گاه هنرهایی اطلاق می‌شد که از این ابزار برای تولید و خلق آثار خود استفاده می‌کردند. نه‌تنها در مراکز شهرنشینی، بلکه در معدودی از روستاها، مثلاً روستاهای اورامانات، تاثیر ذوق و سلیقه و گرایش به زیباسازی در پنجره‌ها و دروازه‌ها به چشم می‌خورد. متأسفانه در عصر حاضر، به دلایلی که در این نوشته نمی‌گنجد، وسعت فعالیت این هنر به نازک‌کاری آن هم ساخت تخته نرد محدود شده است. هرچند استادکاران زیادی در سنین مختلف به این کار و در واقع «کسب درآمد» مشغول بودند، اما در میان آنها استاد علی‌اکبر بهزادیان از معدود کسانی بود که گاه برای ارضای روحی خود، دایره فعالیت را گسترده‌تر کرده و به ساخت آثاری متنوع دست زد. علاقه‌افر استاد تا حد عشق به نازک‌کاری سبب شد دقت عمل وی در ساخت و پرداخت قطعات چوبی به نهایت مهارت برسد. راستی که در آثار تولیدشده وی چنین به نظر می‌آید که او به سوی ناممکن‌های دست بشر حرکت می‌کند و به این خاطر بود که بینندگان آثارش با حیرت تمام به تحسین دقت عمل و وسواس‌اش نگاه می‌کردند. استاد با نیت فروش، به ساختن نمی‌پرداخت؛ او می‌دانست که بینندگانش فرهنگ خرید این گونه آثار را ندارند و جز آفرین و تحسین، هیچ تمایلی به مالکیت آنها وجود ندارد. پس چاره‌ای نبود جز اینکه در حد توان دو انسان – در تمام ساعات‌های روز– هم به کار ذوقی‌اش ادامه دهد و هم برای گذران زندگی ساده‌اش، دست‌ساخته‌هایی ازرنده را نیز برای فروش تولید کند.

خوشبختانه بعد از سال‌ها بی‌توجهی، هنگامی که هنر نازک‌کاری آخرین روزهای خود را سپری می‌کرد، به همت انسان‌های قدرشناس و آینده‌نگری همچون آقای سیروس معروفی در خانه فرهنگ آن زمان کلاس محفّری راه‌اندازی شد تا هم از تجربیات استاد استفاده شود و هم اینکه آن هنر بی‌رق جانی تازه بگیرد و در نسل جوان ماوی گزیند و حیاتی دوباره یابد. به این ترتیب بود که استاد بهزادیان در مکانی که باید، جای گرفت و سال‌ها به تدریس پرداخت.

هنرجویان کلاس نازک‌کاری همچون دیگر کلاس‌ها با شوق و علاقه خاص به کار و به استادشان، راه شکفتن هنر چوب را در پیش گرفته و در مدت نه‌چندان زیادی، هنرمندان و صنعتگران تازه‌ای پیدا شدند. از جمله ارزش‌های این فعالیت، گسترش آن بود. به این معنی که در سال‌های اخیر ما شاهد تجربه‌های تازه‌ای در زمینه معرق، منبت و گاه ساخت پیکره‌های چوبی بوده‌ایم.

و اما سراجنام دوره حضور فعال‌تر استاد بهزادیان فرارسید. باز هم با تلاش و همت آقای سیروس معروفی و شاید افراد دلسوز دیگری، استاد به محافل و متولیان هنری کشور معرفی شد. برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و حضور در جشنواره‌ها و سفرهای داخلی و خارجی، آثار ایشان را هرچه بیشتر در معرض دید کارشناسان و علاقه‌مندان به هنرهای سنتنی و صنایع دستی قرار داد و نهایتاً با تأیید اهل فن و ارزشیابی آنان، استاد به درجه دکترا در رشته خود دست یافت.

اکنون هنر نازک‌کاری از طریق نسل جوان و متکی بر شانه‌های استادان قدیم همچون خانواده نعمتیان، استاد بهزادیان و استاد نعمت محمودی(در زمینه اروسی‌سازی) جانی تازه یافته است.

امیدوارم فعالان این زمینه بتوانند هرچه بیشتر آثار خود را از حوزه صنایع دستی و تقلید از هنرهای سنتنی، به فضای هنری نزدیک و نزدیک‌تر کنند. به گونه‌ای که ما به آثار آنان به عنوان آثاری هنری ببالیم. شک ندارم که روح استادان درگذشته در آرامش خواهد بود اگر آیندگان گامی فراتر از آنان بردارند.

✽**مجسمه‌ساز، طراح و نقاش**

➔ **نگاه کل‌نگاشتی**

سیدمحسن علوی



یادی از استاد بهزادیان

هنر نازک‌کاری در بین هنرهای دیگری که پایه و ماده اصلی آنها چوب است از ظرافت و لطافت خاصی برخوردار است. هر چند در آن از تکنیک‌های منبت، معرق و مشبک بهره گرفته می‌شود، لیکن ظرافت و پرکاری بیش از حد آن وجه تمایزش از هنرهای فوق است.

آغاز نازک‌کاری در سبندج به بیش از یک و نیم قرن پیش می‌رسد و بانی‌اش را استاد نعمت‌الله (جد مادری استاد بهزادیان) می‌گویند. سپس پسر ایشان یعنی استاد مجید نعمتیان در توسعه این هنر بسیار کوشید و آثار زیبا و بدیعی را خلق کرد و هم او بود که هنر نازک‌کاری را اعتلا بخشید و شناساند. پس از ایشان و به‌رغم پا به عرصه نهادن استادانی در این زمینه، استاد بهزادیان را می‌توان یک استثنا نامید. او که خواهرزاده استاد مجید نعمتیان بود، الفبای این هنر را در مدت ۱۲ سال در محضر دایی خود آموخت اما خیلی زود را خود را پیدا کرد و به شیوه‌ای مستقل عمل کرد تا جایی پیش رفت که هنر نازک‌کاری سبندج را به جهانبان شناساند و با شرکت در نمایشگاه‌های متعدد و کسب عناوین بین‌المللی اعتبار زیادی به این هنر بخشید و تا جایی که امروز در جوامع هنری، سبندج را با نازک‌کاری می‌شناسند و نازک‌کاری را با استاد بهزادیان.

در بین نازک‌کاران سبندج کمتر کسی را می‌توان یافت که از آثار خود مجموعه‌ای – هر چند کوچک – داشته باشد و به صورت معمول آثار براساس سفارش تولید می‌شوند. از این لحاظ هم استاد بهزادیان یک استثنا بود و بخش عمده‌ای از آثارش را صرفاً برای خودش – و نه سفارش و فروش – ساخته بود. برای اولین باری که موضوع واگذاری این آثار به میراث فرهنگی و نگهداری آنها در موزه مطرح شد (سال ۱۳۸۰) مجموعه‌ای نزدیک به یکصد اثر از آثارش را گردآوری کرده بود. آرزوی استاد این بود که این مجموعه از زادگاهش خارج نشود، دلش می‌خواست در محلی موزه‌مانند نگهداری شود و علاقه‌مندان بتوانند آنها را از نزدیک ببینند و اینچنین بود که داستان واگذاری آثار به سازمان میراث فرهنگی آغاز شد. آنچه در این باره قابل تأمل است، این است که از شروع این داستان یعنی موضوع واگذاری آثار تا تحویل آنها به میراث فرهنگی کردستان بیش از سه سال و نیم طول کشید و مکاتبات عده‌ای در این راستا صورت گرفت که این خود حاکی از نظام پروراکسی رایج در تشکیلات اداری ماست که بعضاً به حد وحشتناکی می‌رسد و در این میان اگر پیگیری، پشتکار و خستگی‌ناپذیری بعضی از اشخاص نبود شاید این بار هرگز به منزل نمی‌رسید و در میان همه این اشخاص، ناسپاسی خواهد بود اگر به بانی و به منزل رساننده آن یعنی آقای دکتر محمد ابراهیم زارعی که در آن دوره سمت مدیریت سازمان میراث فرهنگی کردستان را عهده‌دار بودند، اشاره‌ای ننشود. شاید در بین مکاتبات صورت گرفته نامه‌ای مربوط به ایشان متعدد نباشد، اما واقعیت قضیه این است که پیگیری ایشان به صورت مداوم بود و با هر نامه‌ای که جا به جا می‌شد و ونبوشت آن به کردستان ارسال می‌شد، به صورت تلفنی و متب موضوع را پیگیری می‌کردند.

✽**کارشناس موزه‌داری و کارشناس ارشد مرمت آثار فرهنگی**

الکانه لای صفحه ۱۳

خاطرات یک روز سبندجی

این دوست مرا به کردستان برده بود تا بر گردنه‌های عظیم و پرشکوهش بایستم و با فرهنگ‌ها و زبان‌های متنوعش آشنا شوم و در مجالس روشنگرانش بگویم و در محافل عرفایش بشنوم و در مجموع عاشق شوم و بیاموزم.
اما تقدیر بر این قرار گرفت که علاوه بر این مسیر در اقصای و انفس، در آن بعدازظهر مطبوع سبندج به آشنایی استادی که هنر نازک‌کاری را با یک عمر تلاش از ورطه نابودی نجات داده است نیز مفتخر شوم. او به سوی ما آمد و آشنایی داد و آشنا شدیم. اسمش استاد علی‌اکبر بهزادیان بود. ما را به کار گاه خود برد و نمونه‌هایی از آثار خود را با افتخاری که خالی از تیختر خاملان و نیز شکسته‌نفسی تعارفی عوام بود، به ما نشان داد. به راستی که استاد بهزادیان حق داشت به کارنامه عمر خود مباحی باشد. هنرهای دستی که در این گوشه از جهان حداقل ۱۰ هزار سال سابقه دارد، بیشتر از طریق روابط خویشاوندی منتقل می‌شده است. استاد بهزادیان خود هنر نازک‌کاری را در ۱۲ سالگی نزد دایی‌اش فراگرفت و امروز فرزندش روزبه میراث‌دار هنر پدری است. بجاست که بگویم به رسم یادگار، از روز قلمدان هوش‌ربایی را که از آثار روزبه بهزادیان بود، خریدم و با او و پدرش عکسی گرفتم.
روزبه با استفاده از تفاوت رنگ چوب‌ها، ایه شریفه «ن والقلم و ما یسطرون» را روی قلمدان ظریفی نقش کرده است. خوب است که در کنار بزرگداشت خاطره این هنرمند مرحوم، به فکر نسل روزبه باشیم که به‌روزی هنرهای دستی امروز و آینده ایران در دست توانای آنهاست.
✽**جامعه‌شناس و صاحب کرسی مطالعات جهان اسلام**
دانشگاه لیک فورست، امریکا

۱۲ ماندگاران

زندگی و آثار استاد بهزادیان به روایت شخصیت‌ها

...قلمدانی خواهد شد به نون و قلم آراسته



◀ابراهیم عشق‌افزاده Abdollah59@yahoo.com

■ با چوب عشق‌ورزی می‌کرد

استاد محمدباقر چهارگاه‌های تهران می‌گوید:
و استاد هنر دانشگاه‌های تهران می‌گوید:
استاد بهزادیان انسانی بود بسیار رقیق‌القلب. او فوق‌العاده با ظرافت کار می‌کرد. با چوب عشق‌ورزی می‌کرد. رنگ چوب، گرهِها و رگ و پیی چوب را می‌شناخت و آن را به گونه‌ای می‌خواند که انگار اثر باستانی است. در واقع او با دریافت‌های روحی خودش، اینها را معنی می‌کرد. آثار ایشان با آدم حرف می‌زند و هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند. آثار استاد دنیایی از لطافت، احساس و زیبایی‌اندیشی است. چنین هنرمندانی همیشه قابل ستایش هستند.

✽**هنر عشق او بود و او با عشقش می‌زیست**
شادروان مهندس بهاءالدین ادب نماینده مردم شهرستان‌های سبندج، دیواندره و کامیاران در دوره‌های پنجم و ششم مجلس شورای اسلامی، در پیمایی که به مناسبت درگذشت استاد بهزادیان صادر کرد، این‌گونه نوشته بود:
در غروب دلگیر روز سه‌شنبه ۱۳۸۵/۱۲/۲۲، خبری دهشتناک، چهارستون بدن خسته و رنجورم را لرزاند؛ خبر کوچ ابدی یک نابغه بزرگ کرد، آری یک نابغه بزرگ کرد. راستش را بگویم همیشه از گریه عیان در میان جمع عار داشتم.ام. اما این بار نتوانستم از ترکیدن بغض گلو در حضور فرزندم جلوگیری کنم. مرگ حق است، همه روزی خواهند مرد. من برای مرگ او نگریستم؛ برای خودم و جامعه‌مان گریستم که نتوانستم آنچنان که باید و شاید، از خلاقیت‌های این هنرمند بزرگ کرد بهره بگیریم و به ناگاه او را از دست دادیم. هنر کار آن زنده‌یاد نبود بلکه عشق او بود و او با عشقش می‌زیست.

✽**آثار استاد نشانگر جلوه‌های بالنده فرهنگ کردی است**

دکتر اسعد اردلان عضو هیات علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه معتقد است:
در آثار استاد اصرار و کشتنی دیده می‌شود که می‌توان آن را ناشی از جلوه‌های بالنده فرهنگ و روحیه معنوی کردی دانست. این دست آفریده‌های مادی، صداقت وی در گزارش معنویت زندگی را در جامعه‌ای صبور، زیبایی‌شناس و مقاوم برملا ساخته، و این سخن «هگل» را به محک می‌زند که: «هنر آفریده روح است». این آثار ذهن بیننده را دچار حیرت و سردرگمی نمی‌کند گرچه او معنای تجسمی جدیدی به ابزار زیستی مردم بخشیده و روح تازه‌ای به درک ما از زندگی فرهنگی مردم کردستان دمیده است؛ نقشی که استاد بهزادیان به ایفای آن می‌باید و تا بود، در آن خوش درخشید.

پانگامه ➔

استاد علی اکبر بهزادیان

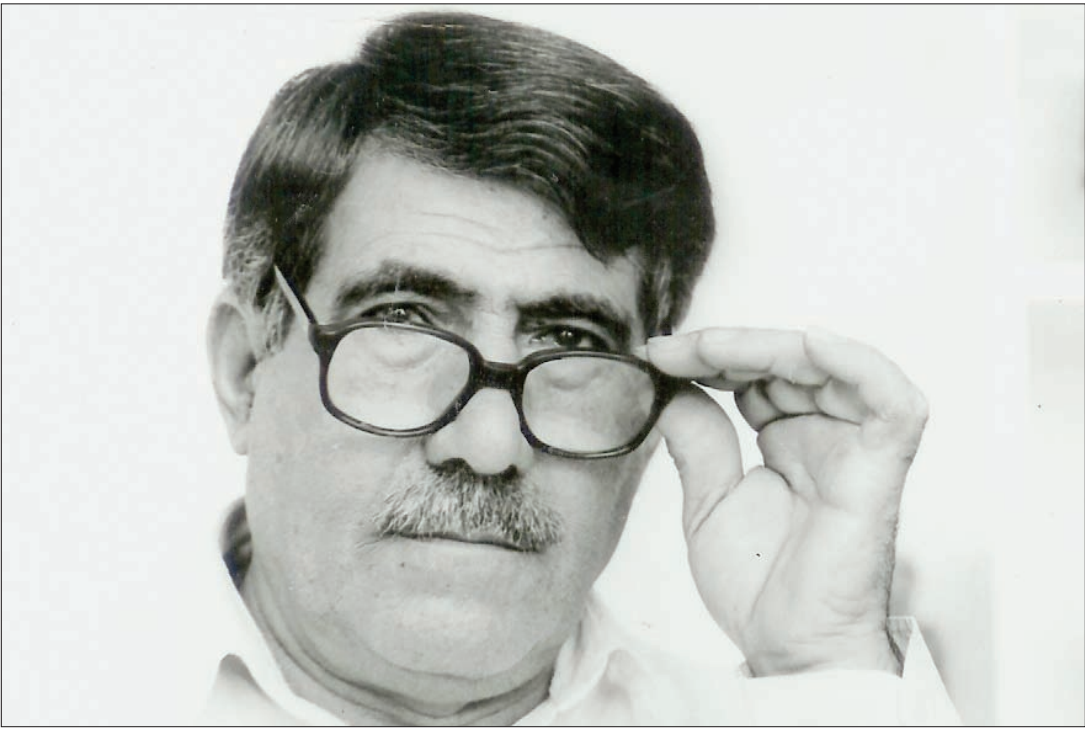
خالق شگفتی‌های نازک‌کاری

کردستان یکی از مهم‌ترین مراکز پرورش هنرمندان نام‌آور عرصه‌های مختلف هنری همچون تئاتر، نمایش عروسکی، سینما، موسیقی و صنایع دستی در ایران است و در این میان نام پروازره مرحوم استاد علی‌اکبر بهزادیان در میان خیل گسترده هنرمندان کردستانی جایگاه منحصر به فردی دارد. علی‌اکبر بهزادیان یگانه استاد نازک‌کاری ایران، عمری با ظرافت هنری ویژه خود، با تنه درخت، زیبایی و شکوه آفرید. او با همت و تلاش ستایش‌انگیزی هنر نازک‌کاری ایران را با تربیت شاگردان زیادی تداوم بخشید. برای بسیاری از اهل هنر کشور به ویژه هنرهای مرتبط با صنایع دستی، نام و چهره استاد بهزادیان بسی آشناست. مردی سختکوش، مهربان، صبور،



«درخت تناور گردو چه می‌دانست/ که در دستان تو/قلمدانی خواهد شد/ به نون و قلم آراسته»^۱
استاد علی‌اکبر بهزادیان در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در شهر سبندج متولد شد. از شش‌سالگی به مدت ۱۲ سال به شاگردی دایی‌اش مرحوم استاد مجید نعمتیان پرداخت که ایشان یکی از مبتکران هنر نازک‌کاری چوب در سبندج بوده است. استاد بهزادیان حدود هفت دهه به هنر نازک‌کاری چوب مشغول بود و هم‌اینک مجموعه‌ای از آثار این هنرمند در موزه «خانه کرد» در سبندج در قالب ۱۳۰ قطعه در معرض دید عموم قرار دارد. استاد، ۶۵ نمایشگاه در داخل و خارج از کشور برپا کرده است و در سال ۱۳۷۰ با شرکت در نمایشگاهی که با حضور هنرمندانی از ۱۸ کشور جهان از جمله چین، پاکستان، هند، ژاپن، استرالیا و…

ترتیب داده شده بود، توانست مقام اول را کسب کند. استاد با دریافت بیش از ۵۰ لوح تقدیر و سیاس‌نامه در سال‌های گذشته، در سال ۱۳۷۰ موفق به اخذ مدرک درجه یک هنر (معادل دکترای هنر) شد. استاد زنده‌یاد و زنده‌نام علی‌اکبر بهزادیان در طول حیات پرتمرش آثار بی‌مانندی را آفرید و در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی شرکت و افتخار آفرینی کرد. با هنرمندان و اهالی فرهنگ نشست و برخاست داشت و دارای محبوبیت چشمگیری در بین آنها بود. از هنر بی‌بدیل او که بگذریم، خصال والای انسانی‌اش زیانزد همگان بوده و هست. در ادامه گزیده‌ای از اظهار‌نظرهای بزرگان فرهنگ و هنر این سرزمین را که در وصف شخصیت استاد بهزادیان است، می‌خوانید.

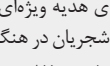


کرد، را می‌شنید که از رنج بی‌پایان عشق و آرزوی وصل محبوب می‌خواند و خدا می‌داند که به چه غم‌ها و دردهای دیگری می‌اندیشید، اما باور دارم که از نازک‌کاری بریده بود و با چوب غزل می‌سرود، ترانه می‌گفت و چوب را چون موم، نرم و حالت‌پذیر و رام خود احساس می‌کرد. یادش گرامی باد.

✽**ابهت پدری و تواضع روحی استاد**

بهزادیان را در هیچ شخص دیگری ندیدم
مهندس فرطوس موسوی رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی و اردبیل و مدیرعامل کنونی شرکت سازه تبریز، با به یاد آوردن اولین دیدار خود با استاد در سال ۱۳۶۵، از ویژگی‌ها و اخلاق والای انسانی استاد سخن گفت. او با ذکر خاطره‌ای از حضور خود در مراسم عروسی پسر بزرگ استاد (بهزاد) می‌گوید: در آن مراسم عروسی، رفتار و کردار استاد نشانگر و مبین این بود که استاد در نقش پدری، آنچنان پدر مهربان و دلسوزی است که شاید بتوان گفت از خاطرات خود با استاد سخن گفت. اما روایت او از آخرین دیدارش با استاد بهزادیان خواندنی است:
در آخرین باری که او را دیدم، از مرگ سخن گفت و گفت که دیگر جان اره جویی کشیدن و سمساده‌زنی و جلا دادن چوب را ندارم. زمان جسم او را به زانو درآورده بود، اما روح بلندش بر ابرها می‌سرید و شاید در آن فراز آسمانی، صدای سیدعلی‌اصغر کردستانی، آن خنیاگر بی‌بدیل

✽**پی‌نوشت**
۱- بخشی از شعر هومن ربیعی در وصف آثار استاد بهزادیان



بود. اهدای هدیه ویژه‌ای از سوی استاد بهزادیان به استاد شجریان در هنگامه برپایی کنسرت استاد

و یارانش در سبندج، پرده آخر این ملاقات‌های

خاطره‌انگیز بود.

به همت رئیس موسسه مطالعات فرهنگ و تمدن ایران‌زمین یعنی دکتر قربانعلی بهزادیان‌نژاد، قرار بود از سوی این موسسه فرهنگی و در راستای اهداف موسسه، مراسم پژوهشگر جوان و شایسته یعنی آقای ابراهیم عبدالله‌زاده ماموریت یافت به رسم یادبود و تجلیل از خدمات گرانتقد ر استاد علی‌اکبر بهزادیان، با انتشار کتابی درباره خدمات این استاد و بررسی ابعاد مختلف فعالیت‌های هنری‌اش، یاد و خاطره این استاد بزرگ گرامی داشته شود. امید است با فعالیت مجدد موسسه مطالعات ایران‌زمین این مهم به فرجام برسد. اینک فرزندان و شاگردان استاد بهزادیان یادگاران‌ای از هنر نازک‌کاری و محصولی از زحمات و تلاش‌های شبانه‌روزی این استادند تا با تاسی از روش و منش آن استاد، فروزنده مشعل هنر نازک‌کاری سرزمین هنر خیزمان ایران باشند. چنین باد.

✽**روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل قومی پی‌نوشت**
.....
۱- نام درختی که تنها در منطقه کردستان یافت می‌شود.

که در این حوزه رشد کرد و به مقام استادی رسید و نامش در لیست مفاخر و نام‌آوران ایران و کردستان ثبت شد.

اکنون کمتر شهری است که به عنوان یادگار اثری از استاد بهزادیان در موزه‌ها و گنجینه‌هایش نباشد و مردمانش به هنر و استعداد این استاد نرزان درود. مردم نفرستاده باشند. در سال‌های اخیر هیچ جهانگرد و ایران‌گردی را نمی‌بایم که به سبندج آمده باشد، اما جویای احوال این هنرمند بی‌نظیر نشده باشد.

✽**آثار گرانتقدرش زینت‌بخش خانه‌های مردم هنر‌دوست است**

استاد سیدسعیدالحمد حیرت‌سجادی، مورخ و پژوهشگر کرد، در زندگینامه‌ای که از استاد علی‌اکبر بهزادیان نوشته، با ترسیم دوران کودکی و شاگردی استاد بهزادیان می‌نویسد:
استاد بهزادیان مدت ۱۲ سال مراحل مختلف شاگردی را در مغازه دایی دلسوز و مهربانش استاد مجید نعمتیان طی کرد و آنچه را که لازم بود، فراگرفت و پس از آن اقدام به تاسیس کارگاه کرد و شخصاً کار می‌پذیرفت. او با حسن سلوک و ادب و متنتی که داشت، کار را با دقت و علاقه شروع کرد. آثار گرانتقدرش، زینت‌بخش خانه‌های مردم هنردوست در داخل و خارج از کشور است. مدت ۶۸ سال با این هنر سر و کار داشت. اشای گرانبها و ذی‌قیمتی را که برای خود ساخته بود و در نمایشگاه‌های داخل و خارج از کشور عرضه می‌کرد، بارها مورد تشویق همگان قرار گرفت و همیشه رتبه اول هنر را حائز می‌شد.

سحرانگیز را که محصول انگشتان هنرمند این استاد باحوصله، صبور و مردمی بود، تنها با حیرت و شگفتی می‌شد باور کرد. این آثار ماحصل عمری ارزشمند بود که با استفاده از چوب گرهِ‌گره،^۱ گلابی یا گردو و به زیبایی و با مهارتی که تنها خاص استاد بهزادیان بود خلق شده تا نوازش‌گر چشم و دل هر بیننده‌ای باشد. اشکال هندسی گوناگون، اندازه‌های ریز و درشت آثار و نمادهای کاربری مختلف نشانی بود از هوش و ذکاوت همراه با مهارت بی‌نظیر استاد بهزادیان. پس از این دیدار بارها و بارها افتخار یافتم تا باز از این آثار دیدن کنم. گاه با زیبای‌ای جلودانه در خود انباشته بودند، تنها با شگفتی توانستم باور کنم، موجی از زیبایی

